Archive of SID

Kavoshnameh in Persian Language and Literature **Vol 21, No46, Autumn 2020**

Creative or simple rewriting? (A review of the rewritten stories of Weiss & Ramin, Khosrow & Shirin, Lily & Majnoon)*

Dr. Sajad Najafi Behzadi[1]
Assistant professor at Shahrekord University

Abstract

The rewriting of ancient literary texts for children and adolescents is one of the concerns of authors in this field. The creative rewriting of these texts encourages the reader to read the original text, but the questions that seem to be of importanc in this regard are what criteria are there for simple and creative rewriting of texts? and which one of the studied texts in this study is considered as simple or creative? The present study aims at investigating and rewriting the stories of Khosrow and Shirin, Weiss and Ramin, Lilly and Majnoon from classical romantic texts to answer the mentioned questions. The rewritten stories have been analyzed in terms of their simple and creative patterns. The method of the research is a qualitative analysis conducted through analyzing the content of fiction. Data collection was done through library work. The most important rewriting patterns discussed in this study are:creativity at the beginning and end of the stories, reader participation in the story through the technique of white writing and the tell-tale gaps, polyphony in the text, imitation of the pretext, hidden or overt theme, suspense, expectation, space creating in the texts and excitement. The results of this study demonstrated that, based on the above-mentioned patterns, among the rewritten texts, the story of Khosrow and Shirin is a creative paraphrase due to the use of tell-tale gaps, space creation in the texts, polyphony in the text, hidden theme. Also, the rewritten stories of Lilly and Majnon and Veis and Ramin are considered as simple ones.

Keywords: Creative and simple rewriting, Pre-text, Lilly and Majnoon, Khosrow and shirin, Weiss and Ramin.

---

* Date of receiving: 2019\9\2 Date of final accepting: 2020\6\1

1 - email of responsible writer: Najafi@sku.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

فصلنامهٔ علمی کاوش‌نامه
سال بیست و یکم، پاییز ۱۳۹۹، شمارهٔ ٤٦
صفحات ۱۹۰-۱٦۱

بازنویسی خلّاق یا ساده؟*
(بررسی داستان‌های بازنویسی‌شده ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون)

(مقالهٔ پژوهشی)

دکتر سجّاد نجفی بهزادی[۱]
استادیار زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه شهرکرد

چکیده:

بازنویسی متون کهن ادبی برای مخاطب کودک و نوجوان یکی از دغدغه‌های نویسندگان این حوزه است. بازنویسی خلاق و مناسب متون کهن باعث ترغیب مخاطب به خوانش متن اصلی می‌شود. در عین حال، سؤالاتی که در این زمینه، قابل تأمّل به نظر می‌رسد این است که: چه معیارهای برای بازنویسی ساده و خلاق متون وجود دارد؟ کدام یک از متون مورد بررسی در این پژوهش، خلاق و کدام یک ساده‌اند؟

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل داستان‌های بازنویسی شده سه منظومه غنایی، خسرو وشیرین، ویس و رامین و لیلی و مجنون از متون عاشقانه کلاسیک برای پاسخ به پرسش‌های فوق است. داستان‌های بازنویسی شدهٔ مذکور از منظر الگوهای بازنویسی ساده و خلاق، بررسی و تحلیل شده‌اند. روش پژوهش به صورت تحلیل کیفی محتوای آثار داستانی و روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت اسناد کتابخانه‌ای است. مهم‌ترین الگوهای بازنویسی مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از: خلاقیت در شروع و پایان داستان‌ها، مشارکت خواننده در داستان از طریق شگرد سپید نویسی و شکاف گویا، چند صدایی در متن، تقلید از پیش متن، پنهان یا آشکار بودن درون‌مایه، تعلیق، انتظار و هیجان و فضاسازی درون‌متنی.

نتایج پژوهش نشان داد که با توجه به الگوهای فوق، از میان متون بازنویسی شده مذکور، داستان خسرو وشیرین به دلیل استفاده از شگردهای شکاف گویا، فضاسازی درون‌متنی، چندصدایی در متن و ارائه پیام

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/٦/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۳/۱۲

۱ – نشانی پست الکترونیکی نویسندهٔ مسئول: najafi23ir@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

داستان به صورت پنهان، بازنویسی خلاق محسوب می‌شود و داستان‌های بازنویسی شدهٔ لیلی ومجنون و ویس ورامین، بازنویسی ساده از متن کهن برای نوجوانان هستند.

واژگان کلیدی: بازنویسی خلاق و ساده، پیش متن، لیلی و مجنون، خسرو وشیرین، ویس و رامین.

۱- مقدّمه

امروزه بازنویسی متون کهن، اهمیت زیادی در ادبیات کودک و نوجوان دارد. بازنویسی یکی از جلوه‌های تلاش متن برای آشنایی مخاطب کودک و نوجوان با فرهنگ و آداب و رسوم پیشینیان است. بازنویسی ساده کردن زبان و ایجاد ساختار جدید در متون کهن است به گونه‌ای که محتوا و درون‌مایه آن حفظ شود. در واقع، «بازنویسی، بازگویی و بازنوشتن، شیوه‌ای از نگارش است که با حفظ ویژگی‌های اثر نخست، بدون اندک دخل و تصرف در آن، با ساده‌تر کردن زبان، آن را با توان خواننده متناسب می‌کند» (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۱ :٤۳). در بازنویسی، نویسنده درون‌مایه متن اصلی را حفظ می‌کند.«در بازنویسی احساس و عقیده جدید تولید نمی‌شود؛ بلکه کنش بازنویسی بیشتر در خلق عمل‌ها و عکس‌العمل‌های موجود در متن بازنوشته است» (هریس،۲۰۰٦ :۲). شیوه‌های بازنویسی به دو شکل «خلاق» و «ساده» تقسیم می‌شود. در بازنویسی ساده، نویسنده به دنبال ساده کردن متن کهن بدون تغییر در ساختار و عناصر پیش متن است. «در بازنویسی ساده، واژگان و اصطلاحات کهن و دشوار جای خود را به واژه‌ها و تعبیرات جدید و آسان می‌دهند. فرایند ساده سازی واژگانی، بر سطح کلمات و اصطلاحات اجرا می‌شود، در این مرحله، واژگان دشوار جای خود را به کلمات و مترادفات آسان و زود فهم می‌دهند (Ruger,2007:47) .

امّا در بازنویسی خلاق، نویسنده ضمن حفظ پیام و محتوای اثر پیشین، ساختار جدیدی در داستان ایجاد می‌کند. خلاقیت در شروع و پایان بندی داستان، چند صدایی، مشارکت خواننده در داستان، افزایش حس تعلیق در داستان، ایجاد فضاهای جدید درون متنی وغیره از مهم‌ترین الگوهای بازنویسی خلاق است.

www.SID.ir

Archive of SID

ساده کردن زبان دشوار متن کهن، تقلید از پیش متن، درون‌مایه آشکار، شروع و پایان یکسان از الگوهای بازنویسی ساده است. جلالی نیز بازنویسی را به دو گونه بازنویسی آزاد و بسته تقسیم می‌کند (ر.ک جلالی،۱۳۹۳ :٦٧). در واقع بازنویسی بسته همان بازنویسی ساده و بازنویسی آزاد به نوعی بازنویسی خلاق است.

نویسندگان از بازنویسی و بازآفرینی متون، مقاصد مختلف و گوناگونی دارند: گاه، قصد دارند تا کودکان را با متنی قدیمی آشنا سازند؛ در این صورت، با ساده کردن اثر و البته با حفظ زیبایی اثر، متن را بازنویسی می‌کند. گاهی هم علاوه برایجاد آشنایی، با ایجاد ساختاری خلاق به دنبال انتقال حس لذت به مخاطب و ترغیب او به خوانش متن اصلی هستند.

سؤالی که ممکن است برای خواننده و نویسنده ادبیات کودک مطرح شود این است که متون کهن ادبی‌ای مانند خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و ویس و رامین به کدام شیوه‌ای باید بازنویسی شوند؟ خلاق یا ساده؟ چه معیارهایی برای بازنویسی خلاق و ساده وجود دارد؟ به نظر می‌رسد توجه به شرایط سنی مخاطب و نوع ادبی متن کهن و صبغهٔ تاریخی که برخی از متون دارند، بازنویسی مناسب را دشوار ساخته است. نویسنده می-تواند با ایجاد تغییر در ساختار داستانی این متون، داستانی جذاب خلق کند، بدون این‌که به درون‌مایه اثر کهن لطمه‌ای وارد شود. شروع مناسب از طریق ایجادگفتگو میان شخصیت‌ها یا تک‌گویی، کشمکش میان شخصیت‌ها، پایان بندی مناسب، ایجاد چندصدایی در متن به جای تک صدایی، ارائه درون‌مایه به‌صورت پنهان و مشارکت خواننده در داستان از طریق شگرد سپیدنویسی مواردی است که نویسندگان بازنویس می‌توانند از آن‌ها برای بازنویسی متون استفاده کنند.

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل داستان‌های بازنویسی شده ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون برای نوجوانان بر اساس الگوهای بازنویسی ساده و خلاق است. داستان‌های بازنویسی شده خسرو و شیرین به روایت مژگان کلهر،(۱۳۹۷) لیلی و مجنون به روایت محمدکاظم مزینانی(۱۳۹۷) و ویس و رامین به روایت لاله

www.SID.ir

Archive of SID

جعفری(۱۳۹۷) از «انتشارات پیدایش»، برای این بررسی انتخاب شدند. دلیل انتخاب متون فوق، شهرت نویسندگان و شمارگان آثارشان در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان است. این‌که بازنویسی‌های صورت گرفته خلاق‌اند یا ساده و چه معیاری می‌توان برای بازنویسی خلاق و ساده در نظر گرفت موضوع بحث است. الگوهای مورد بررسی به‌صورت غیرمستقیم از کتاب دیگرخوانی‌های ناگزیر، مجموعه مقالات نقد و نظریه ادبیات کودک به کوشش مرتضی خسرو نژاد برداشت شده است.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق به صورت تحلیل کیفی محتوای آثار است. «در بررسی و تحلیل کیفی اثر به تحلیل داده‌ها و آزمون‌ها برای کشف معنا پرداخته می‌شود»(ساروخانی،۱۳۸۲ :۲۸۷). روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت اسناد کتابخانه‌ای است.

۳- پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ نقد و بررسی داستان‌های بازنویسی شده لیلی و مجنون، ویس و رامین و خسرو و شیرین، براساس الگوهای بازنویسی ساده و خلاق، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما در حوزهٔ بازنویسی متون کهنی چون، شاهنامه، کلیله و دمنه، مثنوی و گلستان مقالات و کتاب‌های متعددی نوشته شده است. هر کدام از کتاب‌ها و مقالات به جنبه‌های مختلف آثار پرداخته‌اند؛۱. جهانگیر صفری و همکاران(۱۳۹۱) در مقاله نوجوانان و شاهنامه، به بررسی بازنویسی داستان‌های شاهنامه به روایت اسدالله شعبانی و آتوسا صالحی پرداخته‌اند. این بررسی براساس عنصرهای داستانی مثل پی‌رنگ، زاویه دید و درون‌مایه و فضاسازی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بازنویسی از شاهنامه باید متناسب با فضا و لحن حماسی شاهنامه باشد.

۲. سجاد نجفی بهزادی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله بررسی و تحلیل عناصر داستان در چند داستان بازنویسی شده از شاهنامه به نقد داستان‌ها از منظر طرح، شخصیت‌پردازی

www.SID.ir

Archive of SID

و درون‌مایه پرداختند. در این مقاله، ضمن مقایسهٔ متن بازنویسی با متن اصلی، نقاط قوت و ضعف بازنویسی‌ها نیز آشکار شد.

۳. پریا انصاری و عبدالحسین فرزاد (۱۳۹۷) در مقالهٔ ارائهٔ شاخص‌های مطلوب بازنویسی آثار حماسی با تاکید بر شاهنامه فردوسی به نقد داستان‌های بازنویسی پرداخته‌اند. مقالهٔ مذکور با تأکید بر مشخصه‌های رشد ادراکی، عاطفی و اجتماعی اریکسون (Erikson) و پیاژه (Piaget)، به بررسی داستان‌های بازنویسی پرداخته شده است.

از مهم‌ترین کتاب‌ها نیز می‌توان به کتاب «شیخ در بوته» (۱۳۸۰) از جعفر پایور، اشاره کرد که به تعریف بازنویسی و انواع آن پرداخته است. همچنین کتاب «بازنویسی و بازآفرینی در ادبیّات» (۱۳۸۸) نوشتهٔ جعفر پایور و فروغ‌الزمان جمالی نیز به بحث بازنویسی و پیشینه آن و نقد چند داستان بازنویسی شده پرداخته است. تفاوت مقاله حاضر با سایر پژوهش‌ها، در انتخاب الگوهای مناسب برای بازنویسی متون عاشقانه کلاسیک است.

٤- بررسی و تحلیل متون

در این بخش، به بررسی و تحلیل متون بازنویسی شده از منظر معیارهای بازنویسی خلاق و ساده پرداخته می‌شود.

٤-۱ خلاقیت در شروع و پایان داستان

٤-۱-۱ شروع داستان ویس و رامین

شروع و پایان داستان، نقش مهمی در جذب مخاطب دارد. انتخاب شروع و پایان مناسب برای داستان یکی از شگردهای بازنویسی خلاق متون است. در متن اصلی داستان ویس و رامین، داستان با توصیف شاه‌موبد آغاز می‌شود. بخش‌های داستان با عنوان‌های مختلف از هم دیگر جدا شده‌اند و به صورت حوادث مستقل ولی پیوسته قرار دارند.

www.SID.ir

Archive of SID

عنوان‌هایی چون؛ عهد بستن موبد با شهرو، تولد ویس از مادر، پرورش ویس و رامین نزد دایه، نامه نوشتن دایه نزد شهرو، دیدار موبد و ویس و غیره.

نوشته یافتم اندر سمرها ز گفت راویان اندر خبرها
که بود اندر زمانه شهریاری به شاهی کامگاری بختیاری
گه بخشش چو ابر نوبهاری گه کوشش چو شیر مرغزاری
جهان یکسر شده او را مسخّر ز حدّ باختر تا حدّ خاور

(ویس و رامین، بیت ۱–۸)

شروع داستان در متن اصلی، به دلیل توصیفات زیبای فخرالدین اسعد گرگانی برای مخاطب، جذاب است؛ اما طولانی بودن توصیفات، اندکی برای مخاطب خسته کننده است.

در متن بازنویسی شده، نویسنده داستان را با توصیف جشن‌گاه موبد آغاز می‌کند. «جشن بود، جشن بهاران؛ نامداران شهر همه جمع بودند. از هر شهری شاهی و سپهداری آمده بود و از هر مرزی، زیبارویی... پادشاه پادشاهان، شاه موبد مانند ماه بر تخت پادشاهی تکیه زده بود. بلبلان می‌خواندند و از هر باغی و از هرصحرایی، سرودی به گوش می‌رسید. همگان به تماشای جشن و پایکوبی آمده بودند»(جعفری،۱۳۹۷ :۹).

بازنویس می‌توانست با شروعی خلاق و جذاب‌تر، داستان را آغاز کند. شروع داستان با حادثه یا تک‌گویی شخصیت، می‌تواند خواننده را کنجکاو و او را به خوانش داستان ترغیب کند. «هرگاه چند بند اول داستان نتواند توجه مخاطب را جلب کند ممکن است دیگر زحمت خواندن داستان را به خود ندهد و آن را به سویی بیفکند» (یونسی،۱۳۸۲ :۱۱٤). نویسنده داستان بازنویسی شده ویس و رامین، می‌توانست داستان را با تک‌گویی شخصیت ویس یا رامین آغاز کند. نقطه شروع در داستان بازنویسی شده خسرو و شیرین با متن اصلی آن کمی متفاوت است. «سایه سوار و اسبش بر زمین می‌تازند. شاپور در پی شیرین به ارمن می‌رود. چهره‌اش زیر آفتاب داغ مانند آهن گداخته است. شبی که با کلماتش نقش شیرین را به تصویر می‌کشید، گمان نمی‌برد که خسرو چنان دچار روی

www.SID.ir

Archive of SID

شیرین شود که شبانه، او را – شاپور را– به خلوت خود بخواند که باید بروی و حتی اگر لازم شد، نیرنگ به کارگیری و آن بت شیرین را بیابی...» (کلهر،۱۳۹۷ :۷). جملهٔ اول(سایه سوار و اسبش بر زمین می‌تازند) اگر ادامه پیدا می‌کرد و بازنویسنده به شخصیت اشاره نمی‌کرد، هیجان و تعلیق داستان بیشتر می‌شد. شروع داستان بازنویسی شدهٔ لیلی و مجنون با توصیف و توضیح درباره قبیله قیس آغاز می‌شود. «در دیار عرب، قبیله‌ای می‌زیست به نام عامر که رئیسی داشت بزرگ و توانگر و آبادترین وادی از آنِ قبیله او بود. او مهمان نواز بود و جوانمرد؛ اما شمعی بود بی نور و صدفی بی‌مروارید و یا خوشه‌ای بی‌دانه، زیرا اجاقش کور بود...» (مزینانی،۱۳۹۷ :۱۱). خلاقیتی در شروع داستان‌های بازنویسی شده(خسرووشیرین، ویس و رامین و لیلی‌ومجنون) دیده نمی‌شود. بازنویسان سعی در حفظ ساختار متن کهن دارند، درحالی که آن‌ها با حفظ درون‌مایه متن کهن، می‌توانند در ساختار و عناصر داستان تغییراتی به وجود آورند (ر.ک پایور،۱۳۸۸ :۱۳۳). اگر داستان‌ها با حادثه یا گفتگوی میان شخصیت‌ها شروع می‌شدند، تاثیر بیشتری داشتند. «بازنویسی آثار کهن باید به گونه‌ای باشد که خواننده را به خوانش متن اصلی سوق دهد و این به هنر نویسنده بستگی دارد» (هاشمی‌نسب،۱۳۷۱ :٥٤).

بازنویس می‌تواند پایان خلاقانه و باز برای داستان بازنویسی شده در نظر بگیرد. تا مخاطب بتواند در داستان مشارکت داشته باشد. پایان داستان ویس و رامین در متن اصلی، پایانی بسته است. رامین پسرش را به تخت می‌نشاند و خود به انتظار مرگ و در غم از دست دادن ویس، روزگار به سر می‌برد. نویسنده در انتهای داستان، مخاطب را نصیحت می‌کند و از او می‌خواهد که به دنبال فرجام نیکو باشد.بازنویس از ابیات متن اصلی هم برای آشنایی مخاطب با متن کهن استفاده کرده است. اگر چه گاهی ابیات دشوار است و خواننده براحتی معنای آن را درک نمی‌کند؛ اما برای معرفی اثار و متون کهن به نوجوانان لازم است.

جهان بند است و ما در بند، خرسند نجوییم آشـــنایی بـا خـداونـد

www.SID.ir

Archive of SID

جهان بر ما کمین دارد شـــب و روز تـو پنـداری کـه مـا آهو و او یوز
خُنک آن کش بود فرجام نیکو! خـنـک آن کش بود هم نـام نیکو!
(ویس و رامین،۱۳۷۷ :۳۷۳)

در متن بازنویسی شده نیز همانند متن کهن، پایان داستان، بسته است. نویسنده داستان را با مرگ رامین به پایان می‌برد.«پس از سه سال اشک ریختن، لاغر و نحیف شد و شبی از شب‌ها که بسیار از خداوند پوزش خواست و با خون دل، صورتش را شست، دیگرتوانی برایش باقی نماند. سحرگاهان خداوند او را پس از صد و ده سال زندگی نزد خود فرا خواند» (جعفری،۱۳۹۷ :۱۵۰).

در بازنویسی ساده، نویسنده به تبعیت از متن کهن، بناچار، پایانی بسته برای داستان انتخاب می‌کند؛ چرا که هدف او ساده کردن ساختار زبان اثر کهن است بدون تغییر در ساختار و محتوای اثر. امروزه داستان‌های کودکان و نوجوانان با پایانی باز همراه هستند.«داستان‌های کودک و نوجوان معمولا باید با روزنه‌ای به آغازی تازه تمام شوند». (نیکولایوا،۱۳۸۷ :۵۵۵).

٤-۱-۲ پایان‌بندی داستان خسرو و شیرین و لیلی و مجنون

پایان داستان بازنویسی شده خسرو و شیرین نیز مانند متن اصلی، پایانی بسته است. داستان با مرگ شیرین در کنار خسرو، به پایان می‌رسد. شاید اگر نویسنده به صورت غیرمستقیم و از طریق تک‌گویی شیرین، به مرگ او اشاره می‌کرد، نتیجه مطلوب‌تری به همراه داشت و مخاطب با تامل در گفته‌های شیرین به مرگ او و جاودانه شدنش در عشق پی می‌برد. پایان داستان لیلی و مجنون هم پایانی بسته است. با مرگ مجنون، داستان به اتمام می‌رسد؛ اما عشق مجنون به لیلی شهره عام خاص شده است. دو داستان خسرو و شیرین و لیلی و مجنون، تقریبا پایانی یکسان دارند؛ یعنی عاشق و معشوق در کنار هم جان می‌دهند. اگر پایانی باز برای داستان انتخاب می‌شد، خواننده لذت بیشتری از داستان

www.SID.ir

Archive of SID

می‌برد؛ اما به دلیل بازنویسی ساده این داستان‌ها، نویسنده بیشتر به دنبال ساده کردن واژگان و زبان متن کهن بوده تا ایجاد ساختار جدید.

٤-۲ مشارکت خواننده در داستان (سپید نویسی)

نویسندگان می‌توانند با قرار دادن شکاف‌های زبانی و محتوایی در داستان، زمینهٔ مشارکت خواننده را فراهم نمایند. سپیدنویسی یکی از گفتمان‌های جدید در نقد ادبی مدرن است.اگرچه این شگرد بیشتر در داستان‌های بزرگسالان به کار گرفته می شود، اما در داستان های بازنویسی شده برای نوجوانان نیز به‌گونه‌ای که متن دچار ابهام نشود، قابل استفاده است. «سپیدنویسی، جاهای خالی و نقطه چین‌های موجود در متن است که به گفته چمبرز(Aidan Chambers)، هرنویسندهٔ ماهری می‌کوشد تا در اثرش برجای بگذارد تا خواننده را در ساختن معنا و حتی آفرینشگری به مشارکت فرا خواند» (chambers,1387:133).

سپیدنویسی، ابهام و شکاف در چارچوب داستان و ساختار روایی است. این که آیا ساختار روایت به شکلی هست که به خواننده اجازه دهد، برداشت‌های گوناگون از متن داشته باشد؟ شروع داستان چگونه است؟ ناگهانی شروع شده و نیاز به پیش فرض‌هایی از سوی مخاطب دارد یا با مقدمه‌ای رسا و بی‌هیچ ابهامی شروع شده است؟ آیا پایان‌بندی داستان، زمینهٔ پایان بندی‌های دیگری را برای مخاطب فراهم می‌آورد؟ (ر.ک حسام پور و شریفی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

٤-۳ مشارکت خواننده در داستان ویس و رامین

نویسنده در داستان ویس و رامین، با بیان مطالبی در چگونگی آیین دنیا و روزگار و اعتماد نکردن به آن، حس تعلیق و مشارکت خواننده در داستان را کاهش می‌دهد.«گفته بودم که آیین دنیا چگونه است. پس، با خواندن این بخش از داستان، رنجشی به دل راه مده و مگو که چرا چنان شد و چرا آنها به مهربانی دنیا اعتماد کردند؛ زیرا نوبت پلیدی

www.SID.ir

Archive of SID

زمانه فرا رسیده است. آری؛ آیین زمانه بر آن‌ها نیک نماند و اراده کرد تا با تیغ رنج، کشتزار ناز و مهرشان را درو کند »(جعفری،۱۳۹۷ :۹۲).

مخاطب با دنبال کردن حوادث داستان و مشکلاتی که بر سر راه ویس و رامین وجود دارد، خود به نامرادی روزگار پی می‌برد. بنابراین نیازی نیست نویسنده برای مخاطب همه چیز را شرح دهد. مخاطب با تأمل در حوادث و عملکرد شخصیت‌ها، می‌تواند به آنچه نیاز دارد، برسد. تلاش او برای درک معنا و باز کردن گره‌های داستانی به او لذتی وصف ناپذیر می‌دهد و او را در داستان سهیم می‌کند. ایجاد شکاف و نقطه چین‌هایی در متن به خواننده این امکان را می‌دهد که در داستان مشارکت داشته باشد.«یکی از رازهای لذّتبخش بودن متن برای کودک، همین یافتن قسمت‌های سپید متن (یافتن مساله) سپس، پر کردن آن (حل مساله) است. متن ادبی ویژهٔ کودک اگر بتواند در عمل به تسهیل این فرایند یاری رساند، به او لذّتی ژرف خواهد بخشید» (خسرونژاد،۱۳۸۲ :۲۱۲).

اشارهٔ مستقیم بازنویسی‌کننده به خطا و اشتباه شخصیت و ناگوار دانستن ادامه داستان، میزان مشارکت خواننده را در داستان کاهش می‌دهد.«گاه از انسان چنان خطایی سر می‌زند که برای بخشودنش هر آنچه تاوان دهد، اندک است و خطا نابخشودنی. بی‌تردید این بخش از داستان بس ناگوار خواهد بود؛ چنانکه همه پلیدی‌های زمانه را که از ابتدای داستان تاکنون دیده‌ایم، در نظر، حقیر و کوچک خواهد نمود. رامین خطایی می‌کند، خطایی که برای بخشایش آن، تاوان سنگین و رنجی بسیار لازم است» (جعفری،۱۳۹۷:۱۰٦).

٤-٤ مشارکت خواننده در داستان خسرو وشیرین و لیلی و مجنون

در داستان بازنویسی شده خسرو و شیرین، نویسنده با ایجاد ابهام و شکاف در متن، خواننده را در داستان سهیم می‌کند. «شیرین از خواب می‌پرد. وحشت زده به اطراف نگاه می‌کند. سکوت و سیاهی همه جا را گرفته است. پرده را کنار می‌زند. خورشید هنوز پشت کوه پنهان است و صدای ضربه‌ها هنوز به گوش می‌رسد. شیرین بی‌تاب، موها را

www.SID.ir

Archive of SID

از روی شانه جمع می‌کند و در دست می‌فشارد. شاید آشفتگی‌اش از خوابی است که دیده است...» (کلهر،۱۳۹۷: ۱۱۷). نویسنده با استفاده از قید شاید و تردید در جملات و اشاره نکردن به محتوای خواب شخصیت، مخاطب را در پیش‌بینی حوادث داستان سهیم می‌کند. «تردید و ابهام در نشانه‌های زبانی یکی از موارد سپیدخوانی در داستان است. ابهام در نشانه‌های زبانی در واقع ابهام در جمله‌ها با استفاده از قیدهایی مانند: شاید، ممکن است، احتمالا و غیره است» (حسام‌پور و شریفی،۱۳۹۰ :۱۳۸).

یکی دیگراز موارد ایجاد شکاف گویا و سپید نویسی در متن این است که «آیا در متن واژه‌ها، اصطلاحات خاص علمی-فرهنگی و اسطوره‌ای یا آداب و رسوم ویژه‌ای دیده می‌شود که نویسنده معنای آن را به زمینه‌های ذهنی خواننده واگذار کرده باشد؟»(همان:۱۳۹). «خسرو همچنان به بزرگ امید می‌نگرد. بزرگ امید پیش می‌آید: بهرام چوبینه، سردار نامی پدرت هرمز شاه، به نام تو سکه زده...سکه‌ها را به شهرها و ولایات ایران فرستاده است»(کلهر،۱۳۹۷ :۳۷). بازنویسنده بعد از جمله «سکه به نام تو زده» توضیحی نمی‌دهد و نقطه چین می‌گذارد. سکه به نام کسی زدن، آیین و رسمی در پادشاهی است که نویسنده آن را به زمینه ذهنی خواننده واگذار کرده است.

در جایی دیگر، شیرین تن به خواستهٔ خسرو نمی‌دهد و از او می‌خواهد طبق آیین و رسوم نام او را در کنار خود داشته باشد.«سوگند یاد می‌کنم که حتی اگر از عشق خسرو جانم به لب برسد، باز منتظر بمانم تا او به رسم و آیینی تمام مرا از آن خود سازد»(همان:٦٠). رعایت آداب و آیین ازدواج آن چیزی است که شیرین به دنبال آن است. بازنویس، شرح چگونگی این آیین را به زمینه ذهنی مخاطب خود واگذار می‌کند.

در متن داستان بازنویسی شدهٔ لیلی و مجنون، سهم مخاطب نوجوان در داستان کمتر است. وابستگی بیش از اندازه نویسنده به متن اصلی در واژگان و سبک نوشتاری متن کهن، جای هرگونه نقطه چین و شکافی را برای پر کردن بسته است. «راه دیدار بسته، پل‌ها شکسته و مجنون، آنچنان سودازده و شیدا ترک خواب و خور کرد. راست همچون شمعی افروخته، نیاسوده در روز و نخفته در شب، به امید رسیدن به لیلی جان می‌کَند و

www.SID.ir

Archive of SID

بر آستان او سر می‌کوفت» (مزینانی،۱۳۹۷ :۱۹).تعابیر و توصیفات همه از متن اصلی است. پایان داستان نیز هیچ گونه پایان و پیش زمینه‌ای را برای مخاطب فراهم نمی‌کند. شروع داستان نیز با مقدمه‌ای رسا و بدون ابهام، آغاز شده است.

٤-٥ تقلید از بیش‌متن (متن کهن)

بازنویس برای تولد ویس می‌توانست از تعابیر و توصیفات بهتری استفاده نماید؛ اما به همان جملات و توصیفات متن اصلی اکتفا کرده است.«نه ماه گذشت و شهرو بارش را زمین گذاشت؛ انگار، مرواریدی از صدف بیرون آمده باشد. دختری از دل شهرو زاده شد که شب تاریک را مانند خورشید، روشن می‌کرد» (جعفری،۱۳۹۷ :۱۵). نکتهٔ دیگر اینکه بازنویسنده، واژگان دشوار و کهن متن اصلی را حذف و به جای آن از معادل امروزی آن‌ها استفاده کرده است.

یکی دختر که چون آمد ز مادر شب دیجور را بزدود چون خور

(ویس ورامین،۱۳۷۷: ٤٧).

به جای واژه «دیجور» از واژه تاریکی استفاده شده است. (ر.ک جعفری،۱۳۹۷ :١٦). برخی از واژگان و اصطلاحات به کار رفته در متن بازنویسی نیاز به توضیح دارند. مخاطب با آن‌ها چندان آشنا نیست.

فرو افکند سر چون شرمساران همی پیچد چون زنهار خواران

(ویس و رامین،۱۳۷۷ :٥٦)

واژه زنهارخوار به معنای پیمان‌شکن است. بازنویسنده در متن از واژه زنهارخوار استفاده کرده بدون این‌که توضیحی برای آن داشته باشد. در متن بازنویسی، برخی کلمات دشوار در پانوشت متن برای مخاطب شرح داده شد؛ اما برخی دیگر مانند واژه «زنهارخوار» شرح داده نشده است. بازنویسنده می‌تواند برای مخاطب، واژه‌سازی کند و از این طریق، دانش و دایرهٔ لغات مخاطب خود را افزایش دهد. «استفاده از واژه‌های متناسب با متن، جزو موارد گریزناپذیر برای یک بازنویس است تا آن جا که فریمن (

www.SID.ir

Archive of SID

Freeman)، واژه‌سازی را از دیگر وظایف یک بازنویس برشمرده است» (فریمن،۱۹۹۳ :۳). برخی از تعابیر و جملات کنایی در متن بازنویسی وجود دارد که برای مخاطب دشوار به نظر می‌رسد.

گهی اندیشه بر وی زور کردی هوا چشـــم خرد را کور کردی

(ویس و رامین،۱۳۷۷: ۸٤)

تنها تفاوتی که میان متن اصلی و بازنویسی شده داستان ویس و رامین می‌توان مشاهده کرد، حذف برخی صحنه‌ها و حوادث به دلیل طولانی شدن داستان است. حذف حوادث و صحنه‌ها خللی در روند داستان به وجود نیاورده که نکته حائز اهمیتی در مساله بازنویسی متون کهن است نکتهٔ دیگر این‌که نویسنده در متن بازنویسی لیلی و مجنون، جملات و عبارات کنایی به کار برده که نیاز به توضیح دارند.

نگشـــاده فقـاعی از ســـلـامم بـر تختـهٔ یخ نوشـــتـه نـامم

فـردا کـه اجـل عنـان بگیرد عـذر تو جهـان کجـا پـذیرد؟

(مزینانی،۱۳۹۷ :۱۲۱)

در داستان بازنویسی شدهٔ خسرو و شیرین تنها تقلید از پیش متن، آوردن نمونه ابیات از متن اصلی داستان است. (ر.ک کلهر،۱۳۹۷ :۷۷–۷۸–۸۰–۹۸۷–۱۱۹) نویسنده واژگان دشوار متن را در همان صفحه و در پانوشت، برای مخاطب توضیح داده است.

٤–٦ تقلید از متن اصلی داستان لیلی و مجنون

در داستان بازنویسی شده لیلی و مجنون، تقلید بی‌چون چرای نویسنده در ابیات، واژگان و جملات دیده می‌شود. «یک روز آسمان آبی، خورشید را چون گوشوارهٔ زر برگوش خود آویخت و ستارگان مانند قطره‌های جیوه، در برابر آتش آفتاب سوختند. مجنون رمیده دل، بی‌قرار همچون جیوه، با دوستان خویش به سوی دیار لیلی رهسپار شد»(مزینانی،۱۳۹۷ :۲۲).

www.SID.ir

Archive of SID

توصیف بازنویسی‌کننده از خورشید و آسمان همانند توصیفات نظامی در متن اصلی است. همچنین، نویسنده برای توصیف عشق مجنون و گستردگی این عشق از توصیفات نظامی استفاده می‌کند.«چون پرچم عشق مجنون، جهانگیر شد و ماه چهره لیلی به تمامی آسمان گیر، پدر مجنون در کار فرزندش درمانده گشت» (همان:۳٦).

نمونهٔ دیگر از تقلید نویسنده از پیش متن، وام‌گیری از واژگان متن اصلی برای عنوان بندی داستان است. در متن اصلی داستان لیلی و مجنون، داستان به صورت عنوان‌های مختلف ارائه شده است. این کار دسترسی مخاطب به بخش‌های مورد نیاز را آسان می‌کند. در متن بازنویسی نیز عنوان‌بندی داستان باعث شده مخاطب از خوانش متن احساس خستگی نکند. «در وام‌گیری عناوین مقتبس از اسامی و عناوین مشهور موجود در متن اصلی، برای تیتر مطلب و یا عناوین متنی استفاده می‌کنند» (جلالی،۱۳۹۰: ۲۸۳).

بازنویس از مطالب متن اصلی عینا برای عنوان‌ها استفاده کرده است.

خونی بـه خیال باز بســـته مویی ز دهـان مرگ رســـتـه

(لیلی و مجنون،۱۳۸۷ :۸۷)

بازنویس از مصراع دوم بیت فوق برای عنوان یکی از بخش‌های داستان با عنوان« مویی ز دهان مرگ رسته» استفاده کرده است. (مزینانی،۱۳۹۷: ۱۱۸). در داستان‌های ویس و رامین و خسرو و شیرین از عنوان‌بندی استفاده نشده که این مسأله ممکن است باعث ملال و خستگی مخاطب شود.

٤-۷ پیام پنهان یا آشکار؟

درون‌مایهٔ داستان یکی از عنصرهای مهم در بازنویسی متون کهن است؛ چرا که بازنویسنده باید درون‌مایه متن کهن را بدون تغییر در متن بازنویسی بگنجاند. کشف پیام داستان داستان از میان دیگر عناصر و حوادث داستان می‌تواند برای مخاطب جذاب و تأمل‌برانگیز باشد. «درون‌مایه داستان را فقط با مطالعه کامل و مسئولانه آن می‌توانیم کشف کنیم که لازمهٔ این کار، آگاهی مستمر از روابط میان قسمت‌های مختلف داستان و نیز

www.SID.ir

Archive of SID

رابطه قسمت‌های داستان به کلیت آن است»(کنی،۱۳۷۹ :۵۳). خسرونژاد درون‌مایه را به دو دسته موجود (درون‌مایه آشکار و پنهان) و درون‌مایه تهی (حذف شده) تقسیم کرده است. «درون‌مایه آشکار در قالب یک جمله و به صورت روشن بیان می‌شود. گاهی نیز نویسنده درون‌مایه را در افکار، اندیشه‌ها و تخیلات شخصیت‌ها می گنجاند. این درون‌مایه را که به صورت ضمنی در لایه‌های پنهان داستان به کار می‌رود، درون‌مایه پنهان می‌گویند» (خسرونژاد،۲۰۰٤ :۲۳).

آنچه در بازنویسی متون کهن اهمیت دارد، انتقال اندیشه و درون‌مایه داستان به شکل غیرمستقیم و پنهان به خواننده است. در گذشته، نویسندگان، درون‌مایه داستان خود را به صورت مستقیم و در پایان داستان بیان می‌کردند. (درون‌مایه آشکار) امروز، نویسنده درون‌مایه را در میان کنش‌ها، اندیشه‌ها و تخیلات شخصیت‌ها ارائه می‌دهد (درون‌مایه پنهان). شیوهٔ انتقال درون‌مایه به شگرد و خلاقیت نویسنده بستگی دارد. اگر درون‌مایه به شیوهٔ غیرمستقیم ارائه شود، مخاطب لذت بیشتری برای درک معنای داستان می‌برد. «پیام باید در قالب رمزگان قرار گیرد و باید به بافتی ارجاع دهد و با توجه به همین بافت می‌فهمیم که پیام و درون‌مایه درباره چیست» (اسکولز،۱۳۷۹ :٤۵). درون مایه داستان اصلی و بازنویسی شده ویس و رامین

داستان ویس و رامین دارای چندین درون‌مایه است. درون‌مایه عشق و سختی‌های رسیدن به آن، شاید اصلی‌ترین درون‌مایه باشد. در متن اصلی رامین برای رسیدن به ویس، سختی‌های زیادی را پشت سرمی‌گذارد. عبور از این سختی‌ها و راسخ بودن در عشق، می‌تواند برای مخاطب جذاب و آموزنده باشد. برخلاف رامین که در عشق خود به ویس وفادار نیست، ویس تا پای جان به عشق وفادار است. جلوه‌های عشق راستین او نیز در تمام منظومه نمایان است. از زمانی که دل در گرو رامین می‌بندد تا پایان عمر به آن پایبند می‌ماند و رنج می‌برد و شادمانی می‌کند و خود را در عشق رامین می‌پروراند و با این عشق صدسال زندگی می‌کند، چون او بیشتر از رامین، هنر زندگی کردن و عاشقی را آموخته است(ر.ک حاکمی،۱۳۹۰: ۹۹). این صداقت و پاکی در عشق برای مخاطب، مهم

www.SID.ir

Archive of SID

و آموزنده است. عشق و علاقه رامین به ویس در متن بازنویسی این گونه بیان شده است: «حال رامین این‌گونه است؛ کبکی است خسته دل که در چنگال شاهین عشق گرفتار آمده است. رامین همه وقت گوشه نشینی می‌کرد و می‌گریست. رنج عشق، جانش را به لب رسانده و امیدش را ربوده است... ای دایه، برو و به ویس بگو که عقلم را آواره کردی و دلم را بی‌تاب. دلم به چیزی شاد نمی‌شود. درمان تنم گفتار توست و داروی دلم دیدار توست...» (جعفری،۱۳۹۷ :٤۲). درون‌مایه در داستان بازنویسی نیز همانند متن اصلی آشکار است. اگر مسألهٔ عشق و دوست داشتن در قالب کنش، گفتگو و رفتار شخصیت‌ها نشان داده شود، تاثیر بیشتری بر مخاطب دارد. در واقع، مخاطب با کشف درون‌مایه از طریق رفتارها، علاوه بر سهیم شدن در داستان، از کشف معنا نیز لذت می‌برد. حذف تک‌گویی رامین در عشق به ویس در متن بازنویسی، نمونه‌ای از ضعف در ارائهٔ درون‌مایه است. در متن اصلی، رامین در هجران و دوری از ویس می‌گوید:

چه بودی گر کسی دستم گرفتی یکایک حال من با او بگفتی
چه بودی گر مرا در خواب دیدی دو چشم من پر از خوناب دیدی
چه بودی گر کسی مردی بکردی درود من بدان بت روی بردی
گهی رامین چنین اندیشه کردی گهی با دل صبوری پیشه کردی
(ویس و رامین،۱۳۷۷ :۸۳)

٤-۸ درون‌مایه در داستان اصلی و بازنویسی شده خسرو و شیرین و لیلی و مجنون

در داستان بازنویسی‌شدهٔ خسرو و شیرین، درون‌مایه به صورت غیرمستقیم (پنهان) ارائه شده است. «در دلش، هلهله‌ای به پا بود که شادی هزار پیروزی را در خود داشت. خسرو به شیرین گفت: شب را کنار ما باشید تا لذت دیدارمان بیشتر شود. شیرین ایستاده بود، بلند بالا در حضور فرمانروای ایران. گفت: گرچه شب و روز، برای رسیدن چنین روزی دعا کرده‌ام؛ اما سرورم! در آیین ما نیست که این‌گونه، دختری به خانه بخت رود»

www.SID.ir

Archive of SID

(کلهر،۱۳۹۷ :٦٦). پاکی و پایبندی شیرین به عشق همراه با آیین، درون‌مایهٔ داستان را تشکیل می‌دهد. «گمان می‌کنید چرا خود را در این قصر سنگی اسیر کرده‌ام؟ چرا سال‌ها به انتظار نشسته‌ام؟ چرا دل به دیگری نبسته‌ام؟ تا به رسم و آیینی تمام نام مرا در کنار نام خود قرار دهید» (همان:١٣٤).

مخاطب خود به این پاکی و پایبندی شیرین به عشقی رسمی و آیینی واقف می‌شود و او را تحسین می‌کند. این مساله برای مخاطب می‌تواند آموزنده باشد. خواننده از طریق همذات پنداری با شخصیت شیرین، از تجربیات او استفاده می‌کند. در داستان لیلی ومجنون، درون‌مایه به صورت مستقیم و آشکارارائه شده است. «مجنون لبریز از عشق و مست و پایکوبان، هر روز به سوی دیار لیلی می‌شتافت و می‌خروشید و ترانه‌های عاشقانه می‌خواند... تصمیم گرفت راز عشقش را از دیگران بپوشد و آتش جگرش را فرو بنشاند، اما دیری نپایید که خون به جگر شد و سودایی گشت آنچنان که ترک خواب و خور کرد...» (مزینانی،۱۳۹۷ :۱۸). اگر نویسنده درون‌مایه را در رفتار و کنش مجنون نشان می‌داد مناسب‌تر بود. آواره‌گی مجنون، دوری او از انسان‌ها و خوگرفتن با حیوانات.

٤-۹ تعلیق، انتظار و هول و ولا در متن

عنصر دیگری که در متن بازنویسی اهمیت زیادی دارد و مخاطب را نسبت به خوانش داستان ترغیب می‌کند ایجاد حس تعلیق در داستان است. به گفتهٔ دیوید لاج؛ (David Lodge) «روایت با طرح کردن پرسش‌هایی در ذهن مخاطب و به تعویق انداختن جواب این پرسش‌ها به کشش وعلاقه مخاطب تداوم می‌بخشد» (لاج،۱۳۸۸ :٤٣). با این شگرد، «نویسنده مخاطب را نسبت به سرنوشت شخصیت داستان حساس می‌کند و موجبات نگرانی او را از آیندهٔ قهرمان فراهم می‌آورد» (Mckay,1387:230). به این شکل، هم به پویایی و گیرایی اثر کمک می‌کند و هم با مشارکت مخاطب در حساسیت به سرنوشت قهرمان داستان، تأثیر بیشتری بر فکر و ذهن او باقی می‌گذارد.

www.SID.ir

Archive of SID

بازنویس اطلاعات مورد نظر درباره شخصیت‌ها را کم کم در اختیار مخاطب قرار می‌دهد یا حادثه و صحنه ای را به صورت غیرمستقیم بیان می‌کند تا مخاطب ترغیب به خوانش داستان شود. ابهام در روایت نیز می تواند حس تعلیق را در داستان افزایش دهد.

٤ ـ ۱۰ تعلیق در داستان ویس و رامین و خسرو وشیرین

در داستان‌های بازنویسی لیلی ومجنون، ویس و رامین و خسرو و شیرین، عنصر تعلیق نقش کم رنگی دارد. در داستان ویس و رامین، بازنویس با بیان تمام جزئیات داستان، حس تعلیق را در داستان کاهش می‌دهد. «آری، گردش زمانه چنین است. ستارهٔ بختی به خاک می‌افتد و ستارهٔ بخت دیگر طلوع می‌کند. زمانه به ویرو جفا می‌کند و به موبد وفا؛ بر یکی بیداد می‌راند و بر دیگری داد، خانهٔ شادمانی یکی را ویران می‌کند و باغ پیروزی دیگری را آباد... روزگار ویرو و شاه موبد چنین می‌شود. اما در گردش زمانه نیک بنگر! که این سرانجام کار نیست. زیرا که شادی موبد پایدار نیست» (جعفری،۱۳۹۷: ۳۲). مخاطب با خوانش داستان و دنبال کردن حوادث و سرانجام شخصیت‌ها، جفای روزگار را درک می‌کند. توضیح نویسنده دربارهٔ وضعیت شخصیت‌ها، حس تعلیق را کاهش می‌دهد. بازنویسنده می‌توانست در شروع داستـان و با تک‌گویی یکی از شخصیت‌ها، حس تعلیق را در داستان افزایش دهد.

نویسنده برای ورود به جنگ شاه موبد و قیصر روم، مقدمه‌ای برای مخاطب در نظر می‌گیرد.« دنیا متضادها را کنار هم دارد. اگر تلخ است، شیرینی هم دارد؛ اگر شب است، روز هم به دنبال دارد؛ نازش با رنج همراه است؛ شادمانی‌اش بی اندوه نیست. هنوز خوشی از دری نیامده بود که از در دیگر ابلیس بر شاه موبد وارد شد. قیصرروم به ایران لشکر کشید.» (همان :۷۹).

این نویسنده مطالب مربوط به دنیا و خوشی و ناخوشی‌های آن و سختی‌هایی را که به دنبال دارد به صورت مکرر در داستان بیان کرده است. این مطالب کلی مربوط به دنیا را مخاطب خود درک می‌کند. نویسنده می‌تواند از طریق یک گفتگوی کوتاه میان شاه

www.SID.ir

Archive of SID

موبد و یکی دیگر از شخصیت‌ها، حس ترس یا دلهره از وقوع جنگ را برای مخاطب تصویر کند.

٤-۱۱ تعلیق در داستان بازنویسی شده لیلی و مجنون

در داستان لیلی و مجنون، حس تعلیق و انتظار چندان نمودی ندارد. چون نویسنده به تبعیت از متن کهن، تنها زبان متن را ساده کرده است. راه‌های ایجاد تعلیق، اغلب ابهام در شروع داستان یا معرفی شخصیت‌ها و حوادث داستان است. بازنویس در داستان بازنویسی خسرو و شیرین به نوعی حس تعلیق و هول ولا را در مخاطب ایجاد کرده است. خسرو مدت‌هاست که در انتظار شاپور نقاش خویش است. «در همین لحظه، بزرگ‌امید وارد می‌شود. مثل همیشه آرام و صبور نیست و در نگاهش ترس و نگرانی موج می‌زند. خسرو چشم به دهان بزرگ امید می‌دوزد. خوب می‌داند که او بیهوده به دیدارش نیامده است. بزرگ‌امید درها را می‌بندد. پرده‌ها را می‌کشد. خسرو همچنان با نگاهی پرسش‌گر او را می‌نگرد. بزرگ‌امید پیش می‌آید. بهرام چوبینه، سردار نامی پدرت هرمز شاه، به نام تو سکه زده و آن‌ها را به شهرها فرستاده است...» (کلهر،۱۳۹۷ :۳٦). مخاطب منتظر اعلام خبری از شاپور است، اما بزرگ‌امید خبر دیگری برای او دارد. بزرگ‌امید با انجام چند کنش،(بستن در و کشیدن پرده) حس تعلیق را در داستان ایجاد می‌کند.

٤-۱۲ فضاسازی درون متنی

ایجاد فضای‌های درون متنی، شگردی است که نویسندگان بازنویس، با حفظ ماهیت و درون‌مایه اثر کهن، برای افزایش جذابیت داستان و ترغیب خواننده به خوانش متن به کار می‌برند. برای ایجاد فضاهای درون متنی معمولا از عنصرهای کشمکش، گفتگوی میان شخصیت‌ها و تک‌گویی‌ها استفاده می‌شود. گفتگوی رامین و دایه برای ابراز علاقه رامین به ویس، ضمن معرفی شخصیت‌ها، فضای جدید به مخاطب می‌دهد: «ای کسی

www.SID.ir

Archive of SID

که برای ویس مادری کردی! از جان برایم عزیزتری! اگر به فریادم نرسی از پا می‌افتم و حیران و سرگردان خواهم مرد. عشق آرام و قرار از من گرفته است. گاهی چون آهویی تیر خورده در بیابان می‌شوم و گاهی شیر غران هستم که به دنبال بچه گمشده‌اش به هر سو می‌خروشد. دایه گفت: نباید به ویس امید داشته باشی. گنج و گوهر نتوانسته او را فریب دهد. ویس از همه جهان بریده است. همه شب تنها بر دوری خویشان اشک می‌ریزد. از من مخواه که پیامت را به او برسانم. او از بخت بد خود خون گریه می‌کند» (جعفری،۱۳۹۷ :٤۳).

گفتگوی میان رامین و دایه علاوه بر اینکه عشق و دلبستگی رامین به ویس را آشکار می‌کند، شخصیت رامین را به مخاطب معرفی می‌کند. دربارهٔ اهمیت گفتگو، گفته شده که «گفتگو کمک می‌کند حقیقت اثر، خود را آشکار کند»(گادامر، ۱۳۸۸: ۷). نکتهٔ مهم درباره گفتگو در داستان بازنویسی شده ویس و رامین این است که نویسنده چندان خلاقیتی برای ایجاد گفتگو میان شخصیت‌ها نداشته و همه گفتگوها برداشت مستقیم از متن اصلی است. گاهی گفت وگوها در قالب شعر و به زبان کهن بیان شده‌اند. این مسأله باعث می‌شود مخاطب با زبان و نثر متن کهن آشنا شود. حتی گاهی بازنویسنده با حذف برخی تک‌گویی‌های به کار رفته در متن اصلی، از ایجاد فضا سازی درون متنی غافل مانده است. در داستان بازنویسی شده خسرو و شیرین، شخصیت شیرین با تک‌گویی خود مخاطب را از آنچه در درونش می‌گذرد، آگاه می‌کند.«سزای کدام گناهم بود؟ من که سرخوش بودم به دویدن در باد، به سوار شدن بر شبدیز و تاختن. حالاچرا چنین آواره‌ام؟ خوشبختی روی شانه‌هایم نشسته بود. کدام دست توانگری این چهره را روی کاغذ آورده است؟ جانم یکباره سوخت. نیست شده‌ام.» (کلهر ،۱۳۹۷ :۱۹)

بازنویسی‌کننده از طریق تک‌گویی شیرین، فضای داستانی تازه‌ای خلق می‌کند.« اینک خسرو کجاست؟ در جنگ با بهرام چوبینه پیروز شده یا نه؟ کاش از خود نرانده بودمش. کاش من نیز در رکابش بودم. ما به کجا؟ او به جنگ؟» (همان:٦٨) کشمکش شاپور با شیرین، فضای تازه‌ای در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.« بس کنید! چگونه با بی‌شرمی

www.SID.ir

Archive of SID

چنین چیزی را بر زبان می‌رانید؟ فکر نمی‌کنید که راه را به خطا آمده‌اید؟ گمان نمی‌کنید که من منزلتی بیش از این دارم؟ نه شاپور نه، چگونه می‌توانی نمک روی زخمم بپاشی؟ چگونه روز و شب به یاد من است و مریم را به آغوش می‌کشد؟» (همان:۸٤).

در این کشمکش، شیرین حاضر نیست به خواسته‌های هوس آلود خسرو تن در دهد. کشمکش باعث آشکار ساختن شخصیت و سرشت واقعی او در داستان می‌شود و اطلاعات لازم را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد» (یونسی،۱۳۸۲ :۳۵۱).

٤-۱۳ فضاسازی در داستان بازنویسی شده لیلی و مجنون

در متن بازنویسی شدهٔ لیلی و مجنون نیز بازنویسنده، از گفتگوهای متن اصلی استفاده می‌کند.«ای مرد شکارچی به این آهو نگاه کن. چشمش مانند چشم یار است و بویش مانند بوی نوبهار. پس بیا و در این نوبهار و به خاطر چشم یار رهایشان کن. آیا رواست که این چشمان سیاه سرمه شده، در زیر خاک به خواب بروند؟ این سینه نقره‌گون آیا سزاوار آتش و کباب است؟ شکارچی، انگشت به دهان، گفت: اگر با تنگدستی هم آغوش نبودم، سخنان تو را با جان ودل قبول می‌کردم، اما چه کنم که یک خانه پر از فرزند دارم و این آهوان همه دارایی من است» (مزینانی،۱۳۹۷ :۹۰). مخاطب از طریق گفتگوی مجنون و شکارچی از میزان علاقه و عشق مجنون آگاه می‌شود. بازنویسنده بدون دخل و تصرف در واژگان و جملات متن کهن، آن‌ها را عینا به کار برده است که به نوعی می‌توان گفت بازنویسی ساده از متن کهن است.

تک‌گویی مجنون در متن بازنویسی، علاوه بر آشکار کردن سوز عشق و هجران عاشق، فضای تازه‌ای پیش روی مخاطب قرار داده است. «به راستی من که هستم؟ مردی شیشه نام و ننگ شکسته که گاه به طعنه مستم می‌خوانند و گاه عاشق و بت پرستم می‌دانند... ای کاش توفانی از راه برسد و خرمن وجودم را بر باد دهد. من نه آنچنان دیوانه‌ام که به زنجیرم کشند و نه آنچنان ویرانه که آباد نگردم. ای کاش صاعقه‌ای از آسمان فرود آید و وجودم را خاکستر سازد...» (همان:۳۲).

www.SID.ir

Archive of SID

مخاطب در این فضاسازی، با درد مجنون آشنا می‌شود و گاهی با او ابراز همدردی می‌کند.«شخصیت‌ها با گفتگوهای خود، احساسات مخاطبان خود را مهار می‌کنند یا برمی‌انگیزند» (گادامر، ۱۳۸۸: ۹). فضای متفاوتی که از این تک‌گویی و گفتگوها بدست می‌آید؛ پیش متن و متن بازنویسی را برای مخاطب جذاب می‌کند. چراکه از اقتدار راوی دانای کل می‌کاهد و به شخصیت‌های دیگر نیز اجازه سخن گفتن می‌دهد.

٤-١٤ چندصدایی در متن

مسأله چندصدایی در روایت به وسیله باختین، (Bahktin) مطرح شده است. از نظر باختین، چند صدای متفاوت و مخالف در داستان یا اثر ادبی شنیده می‌شود. چندصدایی بودن داستان، میزان تسلط راوی و نویسنده را کاهش می‌دهد. چندصدایی در اثر ادبی به معنی نمایش آواها، اندیشه‌ها و آرای گوناگون در متن است. «از نظر باختین چند صدایی در متون این است که به جای یک راوی یا زاویه دید واحد، راویان متعدد با یکدیگر بر سر نقل داستان رقابت کنند» (باختین،١٣٨٤ :١١٨).

چندصدایی از ویژگی‌های گفتمان مدرن ادبی است.«فضایی که در آن صداهای گوناگون با نگرش‌ها و جهان نگری‌های متفاوت و متباین باهم وارد مکالمه می‌شوند و پویایی چشمگیری را در متن رقم می‌زنند. با این شرط که هیچ صدایی بر صدایی دیگر تسلط و تفوق نداشته باشد» (مکاریک،١٣٩٣ :٤١٤). در متون کهن، چند صدایی به معنای مدرن آن چندان قابل تصور نیست، اگرچه این پدیده گاهی در متونی که صبغهٔ داستانی دارند به چشم می‌خورد. در متون کهنی چون لیلی و مجنون، ویس و رامین و خسرو وشیرین، از تکنیک چند صدایی استفاده کرده است. هر چند این چند صدایی با آنچه باختین مطرح می‌کند، گاهی متفاوت است؛ چرا که در نهایت این راوی دانای کل است که بر همه چیز احاطه دارد و این صدای اوست که بیشتر شنیده می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

٤-١٥ چندصدایی در داستان بازنویسی شده خسرو وشیرین و لیلی و مجنون

شنیدن چند صدا در داستان باعث پویایی متن می‌شود و حالت یکنواختی لحن داستان را تغییر می‌دهد. بازنویسنده می‌تواند از تکنیک چند صدایی برای ایجاد یک بازنویسی خلاق استفاده کند. شگرد چند صدایی در داستان بازنویسی شده خسرو و شیرین نسبت به بازنویسی لیلی و مجنون و ویس ورامین، نمود بیشتری دارد. «تا زنده‌ام گمان نکنم راضی به انجام چنین کاری شوم. نه! بس نیست که هر روز درباره عشق‌تان خبرهای تازه به گوشم می‌رسد؟ بس نیست که تمام شیرینی زندگی‌ام را با نام شیرین تلخ کرده‌ای؟ اگر شیرین به این کاخ قدم بگذارد، قسم می‌خورم که پدر را با هزاران سپاه علیه‌ات بشورانم، حال دیگر خود دانید... » (کلهر،۱۳۹۷ :۷٦). این صدای مخالفت مریم با حضور شیرین در کاخ خسرو است که بدون ترس و واهمه‌ای بیان می‌شود. در جایی دیگر، وقتی خسرو از شیرین می‌خواهد که شب را در کنار او بگذراند، شیرین مخالفت خود را این گونه ابراز می‌کند:«کنار ما باشید تا لذت دیدارمان بیشتر شود. شیرین گفت: اگر چه شب وروز برای رسیدن به چنین روزی دعا کرده‌ام، اما سرورم در آیین ما نیست که این گونه، دختری به خانه بخت رود. خسرو گفت: برای اجرای مراسم همیشه وقت هست. حال را غنیمت شمار. شیرین گفت: نگذارید پشیمانی به بار بیاید...» (همان:٦٦).

٤-١٦ چندصدایی در داستان بازنویسی شده ویس و رامین

در داستان بازنویسی شده ویس و رامین نیز چند صدایی دیده می‌شود. صدای مخالفت رامین با شاه موبد بر سر ازدواج با ویس. یا صدای مخالفت ویس با برادرش در مورد ازداوج با رامین.« اگر میخواهید مرا بگیرید و به بند بکشید و یا آنکه جانم را بستانید و هلاکم کنید، باکی نیست؛ زیرا چون هلاک شوم تا ابد نامم در جهان باقی خواهد ماند...» (جعفری،۱۳۹۷: ۵۵).

شنیده شدن چند صدا در متن داستان به مخاطب کمک می‌کند با شخصیت‌ها آشنا شود، ضمن اینکه این چند صدایی از تسلط ایدئولوژی نویسنده بر داستان می‌کاهد.

www.SID.ir

Archive of SID

٤-١٦ تصویر و متن بازنویسی

در متن اصلی، مخاطب از طریق توصیفات شاعر یا نویسنده، تصویری ذهنی از شخصیت داستان به دست می‌آورد؛ اما در متن بازنویسی، از تصویرپردازی و طراحی چهره شخصیت‌ها نیز استفاده شده است. نکتهٔ مهم دربارهٔ تصویر در متن بازنویسی، این است که این تصاویر باید با ویژگی، چهره و ظاهر شخصیت‌های متن اصلی همخوانی داشته باشد. تصویر آنچه را که متن قادر به ارائه آن نیست برای مخاطب بیان می‌کند. «هدف از تصویر کردن داستان‌های کودک و نوجوان، بیان متن داستانی به وسیله عناصر بصری و تجسمی است؛ اما نه بیانی هم اندازه متن، بلکه بیان آنچه به وسیله واژه‌ها و متن قابل ارائه نیست که این بیانگری به عهده تصویر است» (Sails bury,1388:34).

در متون بازنویسی شدهٔ ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون از عنصرتصویر استفاده شده که طراحی و تصویرپردازی متفاوتی باهم دارند. در داستان بازنویسی شده ویس و رامین، تصاویر با مداد به صورت تک رنگ همراه با خطوط واضح طراحی شده‌اند.

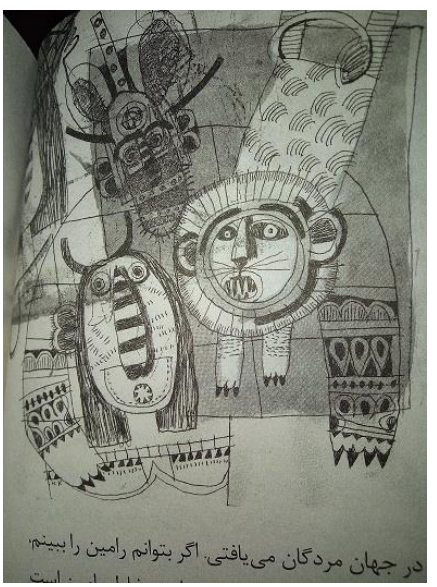

تصویر شماره ۱ داستان ویس و رامین

www.SID.ir

Archive of SID

در تصویر شماره ۱ چند شخصیت حیوان و انسان در هم تنیده شده است. تشخیص و شناسایی اجزا و شخصیت‌های تصویر برای مخاطب آسان نیست. نویسنده در متن داستان و از زبان شاه موبد خطاب به ویس او را از نژاد سگ و همراه دیو می‌خواند.« ای کسی که نژادت سگ بوده و دیو استادت!» (جعفری،۱۳۹۷: ۵۹).

در جایی دیگر از جهان مردگان سخن می‌گوید.« اگر او نبود اینک باید مرا در جهان مردگان می‌یافتی...» (همان:۵۸). دو کلیدواژه متن؛ جهان مردگان و دیو، ذهن مخاطب را درگیر می‌کند که تصویر فوق کدام را به تصویر کشیده است. از این نظر تصویر تامل برانگیز و از طرفی فهم آن دشوار است. شاید مخاطب نوجوان با تلاش و تامل در تصویر و کلیدواژه‌های متن، بتواند تصویر را درک کند.

نودلمن (Nodelman) درباره اهمیت تصویر در داستان‌های کودک و نوجوان می-گوید:« تصویر گونه‌های متفاوتی از اطلاعات را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد که مهم-ترین آن این است که تصویر چیزی را انتقال دهد که واژگان هرگز نمی‌توانند آن را انتقال دهند. این انتقال به شیوه‌ای ظریف صورت می‌گیرد» (نودلمن،۱۳۸۹:۹۵). تصاویرداستان بازنویسی شده خسرو وشیرین، تصاویری نسبتا ساده هستند. درک عنصرهای تصویر برای مخاطب چندان دشوار نیست.

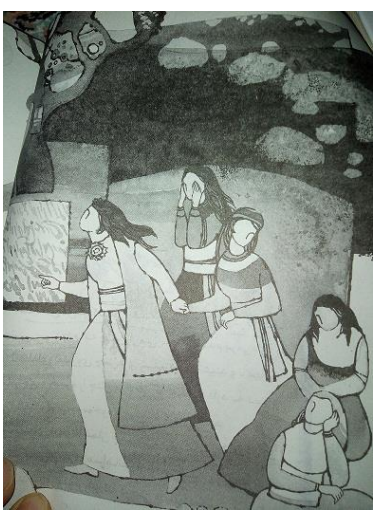

تصویر شماره ۲ داستان خسرو و شیرین

www.SID.ir

Archive of SID

در تصویر شماره۲، تصویرگر، اجزای صورت شخصیت‌ها را طراحی‌نکرده است. شاید دلیل آن مشارکت خواننده در تصوی و داستان باشد. این که خود خواننده شخصیت اصلی را از میان دیگر شخصیت‌ها تشخیص دهد. در تصویر شماره ۲ مخاطب از طریق برخی نشانه‌ها، شخصیت اصلی را در تصویر شناسایی می‌کند. نحوه قرار گرفتن شخصیت شیرین در تصویر و کلیدواژه‌های متن: «شیرین سرمست از هوای بهاری می‌دود و دختران به دنبال او...»(کلهر،۱۳۹۷ :۱۳). نشانه‌های به کار رفته در تصوبر هستند. تصاویر داستان خسرو و شیرین اطلاعات متن را تایید می‌کنند و چیزی فراتر از متن در اختیار مخاطب قرار نمی‌دهند. «از نظر نودلمن این گونه تصاویر ایتدایی‌ترین نوع تصویر هستند و نقش تکمیل کننده متن را به عهده دارند» (نودلمن،۱۳۸۹ :۹۸). در داستان بازنویسی شدهٔ لیلی و مجنون، چندان از عنصر تصویراستفاده نشده است. تعداد تصاویر داستان انگشت شمارند.

۵- نتیجه

با توجه به اینکه دنیای نوجوانان تحت تأثیر فضای مجازی و شبکه‌های مختلف اجتماعی و انواع بازی‌های رایانه‌ای قرار دارد، تمایل چندانی برای مطالعه متون کهن ندارند. خلاقیت در بازنویسی متون کهن جذاب و عاشقانه ای چون لیلی و مجنون، خسرو وشیرین و ویس رامین می تواند مخاطب را نسبت به خوانش متن ترغیب کند. شناخت ویژگی مخاطب، آشنایی با نوع ادبی متن بازنویسی شده و شناخت تکنیک‌های داستان نویسی مدرن از مهم‌ترین موارد برای بازنویسی خلاق متون کهن است.

بازنویس با به کار بردن برخی از تکنیک‌های داستانی مانند: شروع مناسب داستان از طریق عنصر گفتگو و تک‌گویی شخصیت‌ها، ایجد چندصدایی در متن، مشارکت خواننده از طریق شگرد سپیدنویسی، افزایش کشمکش بین شخصیت‌ها برای پویایی متن، انتخاب پایانی مناسب برای داستان، ارائه درون‌مایه به صورت پنهان و در میان کنش و رفتار شخصیت، داستانی جذاب و خلاق برای مخاطب خود خلق کند.

www.SID.ir

Archive of SID

با توجه به معیارهای بازنویسی خلاق و ساده، داستان بازنویسی شده خسرو وشیرین به دلیل داشتن برخی از الگوهای بازنویسی خلاق، الگوهایی مانند: چند صدایی در متن، مشارکت خواننده از طریق شگرد سپیدنویسی، فضاسازی درون متنی، درون‌مایه پنهان، به نوعی می‌توان گفت بازنویسی‌ای خلاق است. داستان لیلی و مجنون به دلیل داشتن ویژگی‌های بازنویسی ساده (تقلید از پیش متن، عدم خلاقیت در شروع و پایان داستان، درون‌مایه آشکار، تک صدایی) از نوع بازنویسی ساده است.

داستان ویس و رامین برخی از الگوهای بازنویسی خلاق و ساده را باهم در خود دارد. (چند صدایی و درون‌مایه پنهان و فضاسازی درون متنی وتقلید از پیش متن. در متون بازنویسی شده ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون از عنصرتصویر استفاده شده که طراحی و تصویرپردازی متفاوتی باهم دارند. تصویر داستان بازنویسی شده خسرو وشیرین، تصاویری نسبتا ساده هستند. درک عنصرهای تصویر برای مخاطب چندان دشوار نیست. نکته دیگر اینکه به نظر نویسندگان مقاله، بازنویسان متون کهن، اغلب تحصیلات آکادمیک در زمینه ادبیات کودک و نوجوان و یا ادبیات داستانی ندارند و بیشتر بر اساس تجربه نویسندگی خود عمل می‌کنند. درحالی که شناخت حداقلی از مخاطب و نوع ادبی متن کهن از الزامات یک بازنویس است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱- اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۸۹). ویس و رامین، تصحیح مجتبی مینوی، چاپ پنجم، تهران: نشر هیرمند.

۲- اسکولز، رابرت (۱۳۷۹). درآمدی بر ساختار گرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.

۳- باختین، میخاییل (۱۳۸٤). تخیل مکالمه ای، جستارهایی درباره رمان. ترجمه آذین حسین زاده، چاپ دوم،تهران: مرکز مطالعات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد.

www.SID.ir

Archive of SID

٤- پایور، جعفر (۱۳۸۰). شیخ در بوته: چگونگی روش‌های بازنویسی و بازآفرینی و ترجمه و بازپرداخت در آثار ادبی، تهران: اشراقیه.

۵- پایور، جعفر و فروغ‌الزمان جمالی (۱۳۸۸). بازنویسی و باز آفرینی در ادبیّات، چاپ دوم، تهران، نشر کتابدار.

٦- جعفری، لاله (۱۳۹۷). ویس و رامین، متن بازنویسی، چاپ چهارم، تهران: نشر پیدایش.

۷- جلالی، مریم، (۱۳۹۳). شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان، تهران، نشر طراوت.

۸- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۹۲). معصومیت و تجربه، چاپ سوم، تهران: مرکز.

۹- ساروخانی، باقر(۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۰- سالزبری، مارتین(۱۳۸۸). تصویرگری کتاب کودک، مترجم شقایق قندهاری، تهران، نشر کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

۱۱- کلهر، مژگان (۱۳۹۷). خسرو و شیرین، متن بازنویسی، چاپ سوم، تهران: نشر پیدایش.

۱۲- گادامر، هانس گئورک (۱۳۸۸). ادبیات و فلسفه در گفتگو، به کوشش رابرت پاسلیک، ترجمه و تقریر و شرح زهرا زواریان، تهران: نقش و نگار، نقد فرهنگ.

۱۳- لاج، دیوید(۱۳۸۸). هنر داستان نویسی (با نمونه‌هایی از متن‌های کالسیک و مدرن) ترجمه رضا رضایی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

۱٤- مزینانی، محمدکاظم (۱۳۹۷). لیلی و مجنون، متن بازنویسی، چاپ سوم، تهران: نشر پیدایش.

۱۵- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۳). دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر آگه.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۶- مک‌کی، رابرت(۱۳۸۷). داستان، ساختار، سبک و اصول فیلم‌نامه نویسی، ترجمهٔ محمد گذرآبادی، چاپ دوم، تهران: هرمس.

۱۷- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۸). خمسه نظامی، افست از روی چاپ باکو، چاپ ششم، تهران: نشر هرمس.

۱۸- نیکولایوا، ماریا (۱۳۸۷). «*فراسوی دستور داستان*»، *در دیگر خوانی‌های ناگزیر*، ترجمه خسرو نژاد، چاپ دوم، تهران: نشر کانون پرورش فکری کودک ونوجوان.صص ۵۴۷-۵۸۹.

۱۹- هاشمی نسب، صدیقه (۱۳۷۱). کودکان و ادبیات رسمی ایران. چاپ سوم، تهران: سروش.

۲۰- یونسی،ابراهیم (۱۳۸۲). هنر داستان نویسی، چاپ سوم، تهران: نشر آگاه.

ب) مقالات

۱- جلالی، مریم(۱۳۹۰). «انواع اقتباس محتوایی از متون کهن در ادبیات کودک و نوجوان»، پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سبزوار. صص ۱۲۳-۱۳۴.

۲- چمبرز، ایدن (۱۳۸۷). «*خواننده درون کتاب*» در دیگر خوانی‌های ناگزیر، ترجمه خسرو نژاد، تهران: نشر کانون پرورش فکری کودک ونوجوان. صص ۱۱۳-۱۵۲.

۳- حاکمی، اسماعیل، زواریان، راضیه (۱۳۹۰). «بررسی جایگاه زن و عشق در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی»، مجله تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۰،صص ۹۱-۱۰۷.

۴- حسام‌پور، سعید، فرشید شریفی(۱۳۹۰). بررسی «خواننده نهفته در متن» در سه داستان ادب پایداری از اکبرپور، مجله ادبیات پایداری، دوره ۲، شماره ۳-۴ صفحه ۱۱۳– ۱۴۵.

www.SID.ir

Archive of SID

۵- کنی، و. پ (۱۳۷۹). «درون‌مایه»، ترجمه مهرداد ترابی نژاد. مجله ادبیات داستانی، شماره ۵۳. صص ٤٤-۵۲.

٦- گنجیان، علی (۱۳۹۷). «واکاوی چالش‌های ترجمهٔ ادبی: بررسی تحلیلی نوع متن، اجزای متن و چالش خواننده» ، دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در ادبیات عربی، دوره ۸ شماره ۱۸، صص ۹۵-۱۱٤

۷- نودلمن، پری (۱۳۸۹). «پیوند واژگان و تصاویر»، کتاب ماه کودک و نوجوان، ترجمه بنفشه عرفانیان، شماره ۷و۸ صص ۸۹-۹۵.

ج) منابع لاتین

1- Freeman, Mark. (1993). Rewriting the Sells. London: Rout Ledge.

2- Harris. Joseph. (2006**)** Rewriting How to Do Things with Taxes. University Press: Logan, Utah State.

3- Khosronejad, M. (2004). “Null Theme and Its Role in Iranian Young Adult’s Fiction.” Paper Presented in ACLAR Conference, Sydney

4- Ruger, Lal and S (2007) Extract-based Summarization with Simplification. July-Philadelphia, pa.usa.

www.SID.ir